

بسمه تعالی

نقد کتاب: «محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران»  
ناقد: دکتر امین آور پژوهشگر ارشد امنیت ملی

بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض سلام، هفته غرورآفرین دفاع مقدس را گرامی می‌داریم. کتاب «محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران» توسط جمعی از نویسندگان و اندیشمندان عرصه امنیتی به رشته تحریر درآمده و آقای دکتر غرایق‌زندی آن را ویراستاری و بصورت مجموعه مقالات تدوین نموده که در سال ۱۳۸۷ چاپ اول آن منتشر گردیده است. در این مجموعه، محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است؛ اینکه محیط امنیتی الزامات و محدودیت‌هایی برای بازیگری هر واحد سیاسی پدید می‌آورد که بازیگران باید به شناخت آن اقدام نمایند، تا به نحو بهینه‌ای منافع ملی خود را تأمین کنند. بر این اساس، در این کتاب چهار محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران شامل: غرب آسیا (خاورمیانه)، خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، و در نهایت، آسیای جنوب غربی (افغانستان و پاکستان) معرفی گردیده است. بر اساس بررسی‌های بعمل آمده (اینترنتی و ...) هبچگونه نقدی از این کتاب از جانب صاحب نظران و متخصصان امنیتی در دست نبوده است؛ لذا بعنوان شناسنامه اصلی کتاب حاضر باید اذعان نمود که، کتاب حاضر مجموعه هفت مقاله برای شناخت بهتر محیط امنیتی پیرامون ایران است که توسط جمعی از متخصصان و اندیشمندان علوم سیاسی و ژئوپلیتیک به رشته تحریر درآمده و اظهار امیدواری شده است که مجموعه حاضر با توجه به ویژگی‌هایی سازمان یافته است تا کمکی برای تصمیم‌سازی و تحقق چشم‌انداز ۱۴۰۴ در حوزه سیاست خارجی شده و مورد توجه جدی دست‌اندرکاران و پژوهشگران مسائل سیاست خارجی، روابط بین‌الملل، مسائل راهبردی و حوزه‌های امنیتی قرار گیرد.

### معرفی محتوای کتاب

محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان منطقه غرب آسیا، خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی و در نهایت آسیای جنوب غربی در نظر گرفت. در هر یک از مناطق مسائل و مشکلات امنیتی متعددی وجود دارد که محیط تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از دستاوردهای ملموس این کتاب برای محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، شناخت نسبتاً خوبی است که از منطقه و محیط امنیتی پیرامونی کشور ایجاد می‌نماید؛ آنجا که مشکلات مختلف و متنوع منطقه را تشریح می‌کند و اذعان می‌دارد منطقه خاورمیانه با چند مشکل کلیدی مواجه است: اصلاحات سیاسی، مشکلات اقتصادی و مسائل

جمعیتی و دموگرافی منطقه، مناسبات مدنی- نظامی، معضل جانشینی، بحث انرژی و فناوری هسته‌ای و موشکی. این مشکلات و مسائل ساختار منطقه را به گونه‌ای شکل داده است که هم امکان نفوذ پذیری و هم سر سختی و مقاومت هویتی را در مقابل غرب در پی داشته است. سه عامل مهم باعث پیدایش مسائل مهم و بارز در غرب آسیا ( خاورمیانه) شده است: عامل اول شکل گیری نظام ملت- دولت یا حتی منطق دولت محوری در بین کشورهای منطقه است. بحث‌های هویتی باعث ایجاد فضای امنیتی خاصی در منطقه می‌شود. بحث پان عربیسم یا هویت‌های اسلامی فراتر از هویت‌های ملی، باعث تهدید ساختار دولت ملی این کشورها می‌شود و دسته بندی‌های منطقه‌ای را دچار شکاف و تقابل می‌نماید، همچنان که در زمان جمال عبدالناصر در مصر، کشورهای محافظه کار عرب به این مسئله واکنش نشان دادند و حتی رژیم‌های پان عرب سوریه و عراق در صدد ایجاد موازنه در برابر تهدیدات مصر برآمدند. مسائل هویتی فراملی در کشورهای خاورمیانه عمدتاً در راستای کسب مشروعیت در افکار عمومی خاورمیانه صورت می‌گیرد که به شدت از حضور اسرائیل در منطقه آزرده خاطرند و مقصر کنونی آن را سیاست‌های جانبدارانه آمریکا در قبال اسرائیل می‌دانند.

عامل دوم، بحث امپریالیسم است که منطقه را به شکل صوری و غیرواقعی دسته بندی و جو ناآرام و امنیتی را بین کشورهای مختلف فراهم کرده است.

در نهایت، عامل سوم به بحث وابستگی اقتصادی این کشورها به نفت و در نتیجه وابستگی به بازارهای مصرف غرب باز می‌گردد. از یک سو، غرب بازار مصرف انرژی و تأمین کننده نیازهای کشورهای خاورمیانه است و از سوی دیگر، مسائل و مباحث هویتی در قبال غرب فضای منطقه را مخالف غرب نموده است. مسئله هویتی شدن سیاست خارجی برخی کشورها به واسطه وابستگی اقتصادی به همان مراکز مورد اعتراض، فشار مضاعفی بر ساختار دولت ملی منطقه پدید می‌آورد به گونه‌ای که امکان نفوذ خارجی را فراهم و تصور رژیم امنیتی خودجوش و منطقه‌ای را با مشکل جدی مواجه می‌نماید. منطقه خلیج فارس ضمن این که مشابهت‌هایی با منطقه آسیای غربی دارد ویژگی‌های متمایزی نیز می‌توان برای آن برشمرد. ساختار سیاسی کشورهای عرب حوزه جنوبی خلیج فارسی را خانواده‌های قبیله‌ای مشخصی در انحصار دارند. آل سعود در عربستان، آل صباح در کویت، آل ثانی در قطر، آل خلیفه در بحرین، آل نهیان در ابوظبی و آل بوسعید در عمان، از نظر وضعیت اجتماعی، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در اغلب موارد تقریباً مشابه هستند؛ غیر بومی بودن نیروی کار، نامتجانس بودن مردم، شکاف میان طبقات اجتماعی و ایفای نقش اصلی توسط طبقات بالا و اشراف عدم برابری زن مرد. در ژانویه ۱۹۶۸ و پس از خروج دولت بریتانیا از منطقه جنوب خلیج فارس، کشورهای عرب خلیج فارس است. آسیای مرکزی منطقه وسیعی است که در میان پژوهشگران توافقی در مورد محدوده‌های آن وجود ندارد، اما بیشتر منابع، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان را کشورهای واقع در این محدوده می‌دانند.

## معرفی روش کتاب:

این کتاب با موضوع محیط امنیتی نگاشته شده و نویسنده سعی کرده با انتخاب مقالات مرتبط، آن را غنی و مطالب را در یک راستا به پیش ببرد. مقاله اول بحثی نظری پیرامون محیط امنیتی است. نویسنده در این مقاله به این مسئله توجه دارد که عمدتاً نگاه به محیط امنیتی سخت افزارانه است و وجوه نرم آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله نویسنده به تعریف محیط امنیتی پرداخته و از نکته نظر متفاوت آن را بررسی کرده است و در یک جمله " تحلیل محیط امنیتی با رویکردی جامع " مورد بحث و کنکاش قرار گرفته است.

در مقاله دوم، که با عنوان " شکل بندی محیط امنیتی ایران در عصرهژمونیک گرایی آمریکا " در کتاب آورده شده است، اولین گام در حفظ امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران شناخت فرصت‌ها و تهدیدات کم شدت و پیرامنه است. پس از این مرحله جمهوری اسلامی ایران نیازمند سه راهبرد کلیدی است؛ تولید قدرت استراتژیک، تهدیدزدایی از رفتار استراتژیک ایران و قاعده سازی و مدیریت بحران. نویسنده در این مقاله در صدد است از منظر راهبردی، رویکرد فعالانه تری برای جمهوری اسلامی ایران در منطقه متأثر از ساختار هژمونیک آمریکا فراهم آورد.

" طرح خاورمیانه بزرگ و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران " عنوان مقاله سوم می باشد؛ که در آن فرصت در سطح داخلی با کارآمد کردن و در نتیجه مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران و در سطح منطقه‌ای با غیرامنیتی ساختن فضای روابط ما با دیگر کشورها مورد توجه قرار می گیرد. نکته جالب توجه مقاله تناظر میان فرصت و تهدیدات خاورمیانه بزرگ است. جلوگیری از تهدیدات، ضرورتاً انجام اقدامات دیگر یا روال نا متعارف نیست؛ گاهی توجه بایسته به نقاط ضعف ما که توسط دشمن مطرح می‌شود، آسیب پذیری‌ها و تهدیدات را به فرصت‌ها تبدیل می‌نماید. در این مقاله روند شکل گیری و اجرای خاور میانه بزرگ به تصور کشیده شده و نگارنده تمام سعی خود را در رابطه با آشکار سازی تهدیدات احتمالی انجام داده و راه کارهای تبدیل تهدید به فرصت را مطرح نموده است.

در این مقاله می خوانید طرح خاور میانه بزرگ که از سوی ایالات متحده آمریکا به عنوان بخشی از راهبرد امنیت ملی این کشور برای مقابله و مبارزه با تروریسم ارایه شد، در بر دارنده چالش‌ها و فرصت‌های امنیتی متعدد برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. نویسنده به این باور است که حتی به فرض تعلیق یا توقف فرآیند عملیاتی شدن طرح خاورمیانه بزرگ از سوی آمریکا، تهدیدات و فرصت‌های ناشی از گسترش لیبرال دموکراسی و توسعه تجارت آزاد منطقه‌ای در مورد ایران ادامه خواهد داشت. بر این اساس راهکارهای نگارنده در جهت افزایش امنیت ملی و کاهش این تهدیدات و تقویت فرصت‌های ناشی از تحولات نوین منطقه تلاش نماید. دفع تهدیدات نشأت گرفته از این چالش‌ها و استفاده بهینه از فرصت‌های پیش آمده، مستلزم مدیریت راهبردی از طریق :

- استمرار توسعه و اصلاحات سیاسی در چارچوب قانون اساسی
  - جلوگیری از امنیتی شدن جمهوری اسلامی از طریق اعتماد سازی متقابل، تنش زدایی و بازدارندگی سیاسی.
  - افزایش مشروعیت و مقبولیت نظام به وسیله کارآمد ساختن و پاسخگویی دولت به نیازها و مطالبات مردم .
  - ارتقا و افزایش روحیه ملی، به معنای حمایت ملت از سیاست‌های دولت با افزایش اعتماد ملی، مشروعیت سیاسی و مقاومت مدنی در برابر چالش‌های خارجی و آسیب‌های داخلی.
  - توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق کمتر توسعه یافته با هدف جلوگیری از رشد گرایش‌های گریز از مرکز.
  - ایجاد علایق و منافع مشترک منطقه‌ای از طریق افزایش وابستگی متقابل اقتصادی و امنیتی در سطح کشورهای منطقه.
  - حفظ آمادگی نظامیان طریق موازنه سازی یک یا چند جانبه در قالب ائتلاف سازه‌های منطقه‌ای و جهانی.
  - مورد بررسی و تحلیل جدی قرار گرفته است.
- در مقاله چهارم، نویسنده به موقعیت جغرافیایی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و شناخت این جایگاه در منطقه پرداخته، تاکمک بسیاری برای مواجهه با تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ارائه کند. این مقاله که تحت عنوان " نظام ژئوکالچر جهانی قرن بیست و یکم و جایگاه ایران " در کتاب آورده شده با هدف طرح رویکرد مشخصی برای جمهوری اسلامی ایران نگاشته شده است، بحثی جدید و جالب توجه در این حوزه مطرح می‌نماید.
- در مقاله پنجم و ششم نیز با تمرکز بر دشمن صهیونیستی و با عنوان "اسرائیل در مناطق پیرامون ایران و روابط اسرائیل و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی" و نیز در مقاله انتهایی کتاب تأکید شده است که در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران دو بازیگر غیرمستقیم وجود دارد که در بررسی محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران کمتر به آن پرداخته شده است. در اینجا منظور از بازیگران غیرمستقیم اسرائیل و ناتو می باشد که از اولی تحت عنوان بازیگر غیرمستقیم منطقه ای و دیگری بعنوان بازیگر غیرمستقیم غیرمنطقه ای یاد می شود. ماهیت بازیگر منطقه‌ای، همانطور که در متن مقاله توضیح داده شده به گونه‌ای است که منافع آن در راستای منافع بازیگر مستقیم است. اما در شرایط حساس و بحرانی، نقش فزاینده خواهند داشت. از بین این دو بازیگر کلیدی، یکی فعالیت اسراییل در مناطق پیرامونی غیرغرب ماست تا از یک سو، فعالیت‌های ایران را به ویژه در مسئله هسته‌ای تحت کنترل درآورد و فشار بر ایران را افزایش دهد و بتواند در موقعیت بحرانی بیشترین فرصت را برای خود فراهم آورد.
- در ادامه مقاله پنجم، مؤلف به راههای فشار بر ایران از سوی این بازیگر (اسرائیل) با کمک حامی قدرتمندش - آمریکا - می‌پردازد که از جمله آن:
- تداوم تبلیغات ضد ایرانی برای افزایش فشار غرب به ایران.

- تحرکات نهادهای اطلاعاتی و امنیتی مانند موساد در مناطق غربی کشور برای تشویق قومیت‌گرایی و ایجاد ناآرامی‌های قومی در کردستان و خوزستان با هدف مقدمه‌چینی برای بروز جنگ داخلی.
- تلاش در جهت تحریک و تشویق عراق در راستای تضعیف روابط ایران و عراق.
- تهدید به بمباران مراکز اتمی ایران.

لیکن این مقاله علی‌رغم تبیین خوبی که در مبحث فشارهای وارده از سوی اسرائیل بر جمهوری اسلامی ایران دارد، هیچگونه راهکاری برای مبارزه و مقابله با این فشارها و تهدیدات ارائه نمی‌کند. در مقاله ششم، نگارنده معتقد است فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور دولت‌های جدید در منطقه آسیای میانه و قفقاز، امکان وسیع‌تری برای نفوذ بیشتر اقتصادی و سیاسی اسرائیل فراهم نموده است. اسرائیل با سرمایه‌گذاری و انتقال فن‌آوری، تلاش زیادی برای نزدیک شدن به این کشورها و استفاده سیاسی-امنیتی در کنار منافع اقتصادی صرف کرده است. همچنین به زعم نگارنده جوهره استراتژی اسرائیل در قبال منطقه، همان استراتژی سنتی این کشور در اتحاد با کشورهای حاشیه‌ای و ایجاد کانون‌های تهدید در مناطق همجوار بلافاصل کشورهای مخالف و رقیب اسرائیل است.

لازم به توضیح است که: این مقاله نیز، با آنکه نفوذ اسرائیل را در منطقه به خوبی بررسی نموده، اما راهکاری لازم را برای مقابله با کاهش تهدیدات این حوزه ارائه ننموده است.

در مقاله پایانی کتاب، نویسنده در توضیح عملکرد بازیگر غیرمستقیم فرمانطقه ای، بیان می‌کند ناتو سازمان فعال، انعطاف‌پذیر و سیاسی- نظامی است که هر کجا و با هر چه امنیت غرب را بخطر بیفکند به شکل مقتضی مقابله خواهد نمود. از این رو، آینده شاهد نقش فعالتر و پویاتر ناتو در فرآیندهای امنیت بین‌الملل خواهد بود. ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و ناتو قدرت و امنیت را از یک سو و آزادی و دموکراسی را از سوی دیگر در طول و نه در عرض یکدیگر در منطقه تاتاری جدید معرفی کردند. این در حالیست که سیاستگذاران آمریکایی و اروپایی ادعان می‌کنند که به منظور حفظ قدرت و امنیت خویش، آزادی و دموکراسی مردم خاورمیانه، بالکان و آسیای میانه و قفقاز را قربانی کردند و با اتکاء به مستبدین و دولت‌های خودکامه محلی، منافع خویش را تأمین و برای قرن‌ها بر این مناطق حکمفرمایی کرده بودند. گسترش ناتو به شرق یعنی منطقه تاتاری جدید در خاور میانه و آسیای میانه و قفقاز، مقدمه حضور ناتو در قاره آسیا به منظور حفظ امنیت در قرن ۲۱ است. ناتو از اقیانوس اطلس در غرب آمریکا تا اقیانوس اطلس در شرق چین را مورد توجه قرار داده است. ناتوی جدید امنیت جهانی مورد نظر خویش را طلب می‌کند.

در این مقاله نیز نویسنده شرایط حضور ناتو در آسیا را مرحله به مرحله بازگو میکند، اما به تهدیدات احتمالی پیش رو و راهکاری احتمالی موجود برای جمهوری اسلامی ایران اشاره نکرده است.

## نقد روش‌مند کتاب:

مقصود از روش‌شناسی نقد، مجموعه فنون و روش‌هایی است که به وسیله آن می‌توان یک اثر را منتقدانه ارزیابی کرد و به نتیجه‌ای درست یا نزدیک به واقعیت دست یافت. روش‌شناسی یا **methodology** شاخه‌ای از منطق است به نام منطق عملی که به اصول عمومی شکل‌گیری دانش و نظام اصول و نحوه انجام تجربیات و بررسی‌ها در هر یک از شاخه‌های دانش می‌پردازد.

در این نوع تحلیل واژه‌ها، معنی‌ها و حالت‌های متفاوتشان برحسب بخش‌های گوناگون کلامی، میزان تکرار آنها و کوتاهی و بلندی جمله‌ها، الفاظ، اصطلاحات، حالات نوشتار و ارتباط واژه‌ها و عبارات مورد شمارش و اندازه‌گیری واقع می‌شوند. گاهی حجم مطالب نوشته شده درباره یک موضوع و در دوره‌ای معین مورد سنجش و اندازه‌گیری واقع می‌گردد و گاهی عنوان‌های مقاله‌های یک روزنامه به صورت ادواری در سال‌های مشخص مورد تحلیل و تفسیر واقع می‌شوند که بخشی از آن به شیوایی و رسایی نثر مؤلف مربوط می‌شود و بخشی دیگر به اصول و قواعد نگارش، ساختار و واژگان و اصطلاحات، پاراگراف‌بندی و لحن نویسنده مربوط است. اینکه آیا نویسنده برای خواننده احترام قائل است و اعتماد خواننده را جلب می‌کند؟ چراکه یک متن در ذات خود باید ایجاد اعتماد کند، یعنی خواننده در کتاب مشارکت داشته باشد. در بررسی ادبیات نگارش شایسته است به روش نگارش، انسجام مطالب، شیوه ارجاع دهی، نقل قول، سیستم استدلال و تبیین و مستندات تحقیق عنایت خاص شود.

بنابراین، در کتابی که مورد نقد قرار گرفته است، از لحاظ روشی، نویسنده عنوان کرده است که روش آن «توصیفی - تحلیلی» می‌باشد که با توجه به بررسی‌های انجام شده در ارزیابی منتقد، درستی آن تأیید می‌گردد. همچنین در این کتاب با توجه به ارزیابی‌های انجام شده، نویسنده در اکثر فصول و بخش‌های کتاب به مفاهیم اصلی تحقیق خودش پرداخته و سعی نموده است که از هدف کلی کتاب فاصله نگیرد، که می‌توان از نقاط قوت این کتاب ارزیابی شود.

به نظر منتقد، میزان تکرار الفاظ و کلمات و نیز بلندی آنها متناسب با ماهیت موضوع و در حد مطلوب آورده شده است. نیز اصول و قواعد نگارش تا حدود زیادی مراعات شده و ارتباط واژگان، اصطلاحات، پاراگراف‌بندی و لحن مناسبی را انتخاب نموده است. می‌توان گفت که در کتاب حاضر نویسنده برای خواننده احترام لازم را قائل بوده و ضمن جلب اعتماد خواننده، او را با خود همراه می‌نماید. شیوه ارجاع دهی، نقل قول‌ها، سیستم استدلال و تبیین و مستندات تحقیق عنایت ویژه نموده و از این لحاظ هم موفق بوده است. از دیگر نقاط محدود ضعف این کتاب به ویژه در مقایسه با منابع، تحقیقات و مقالات جدید، کلی بودن و به نوعی عام بودن مطالب، علی‌الخصوص در حیطه امنیت ملی و منطقه‌ای می‌باشد.

والسلام علیکم ورحمه‌الله و برکاته

گردآوری: دفتر کرسی‌های نقد و نظریه‌پردازی